

بہ نام خدای کہ جان آفرید


علوم و فنون ادبی
پایہ دہم

h.khanjani

۲۴ اکتوبر ۲۰۲۲

حمیرا خاتجانی

۵

دکتر درس 

درس دوم



□ شعر، موسیقی، عاطفه

➤ شعر و موسیقی هر دو برای برانگیختن حس و حال عاطفی به کار می‌روند.

➤ حالت‌هایی چون اندوه، شادی، امید و یأس، حیرت و تعجب، نمودهای عاطفه اند.

➤ شاعر می‌کوشد عاطفه را به دیگران انتقال دهد.

□ شعر، موسیقی، عاطفه

➤ اساسی ترین عامل پیدایی شعر، عاطفه است.

✓ شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از زبان کمک می گیرد.

✓ واژه‌هایی را بر می‌گزیند که با قرار گرفتن در کنار هم، آهنگی خاص را پدید آورند.

✓ بنابراین، وزن و آهنگ، به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می‌کند.

■ شعر زیر، از شاهنامه فردوسی است.

➤ بار معنایی حاکم بر شعر حماسی است.

➤ وزن و آهنگ شعر نیز کوبنده و کوتاه است.

➤ پس: وزن و آهنگ با محتوا هماهنگی کامل دارند.

خروش آمد و ناله کـرنای	دم نای رویین و هندی درای
زمین آمد از سم اسپان به جوش	به ابر اندر آمد فغان و خروش
چو برخاست از دشت گرد سپاه	کس آمد بر رستم از دیده گاه
که آمد سپاهی چو کوه گران	همه رزم چویان کند آوران
ز تیغ دلیران هوا شد بنفش	برقتند با کاویانی درفش
برآمد خروش سپاه از دو روی	جهان شد پر از مردم جنگجوی
خور و ماه گفتی به رنگ اندرست	ستاره به چنگ نهنگ اندرست

□ اهمیت وزن در شعر

- پس از عاطفه مهمترین و مؤثرترین عامل، وزن است.
- وزن یکی از عوامل مهم در برانگیختن عاطفه است.
- انتظاری که آدمی از شعر دارد، این است که بتواند آن را زمزمه کند.
- وزن در شعر، جنبه تزئینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.

□ اهمیت وزن در شعر

➤ **وزن** یکی از مهمترین ارکان شعر است.

➤ گوش‌نوازی و خوش‌آهنگی، بر انسان تأثیر بسیار دارد.

➤ کتاب‌های مقدس نیز از کشش و جاذبه آهنگ و کلام موزون، بهره گرفته‌اند.

غزل زیر را بخوانید:

ما همه چشمیم و تو نور ای صنم
چشم بد از روی تو دور ای صنم
روی میپوشان که بهشتی بود
هر که ببیند چو تو حور ای صنم
حور خطا گفتم اگر خواندمت
ترک ادب رفت و قصور ای صنم
تا به کرم خرده نگیری که من
غایبیم از ذوق حضور ای صنم
روی تو بر پشت زمین خلق را
موجب فتنه ست و فتور ای صنم
این همه دلبندی و خوبی تو را
موضع نازست و غرور ای صنم
سروبنی خاسته چون قامتت
تا ننشینیم صبور ای صنم
این همه طوفان به سرم می رود
از جگری همچو تنور ای صنم
سعدی از این چشمه حیوان که خورد
سیر نگردد به مرور ای صنم

■ با کمی دقت در غزل صفحه قبل متوجه خواهیم شد:

✓ بار عاطفی حاکم بر غزل نشاط و شادی است.

✓ شاعر این حالت را با وزن و آهنگی مناسب به خواننده منتقل می کند.

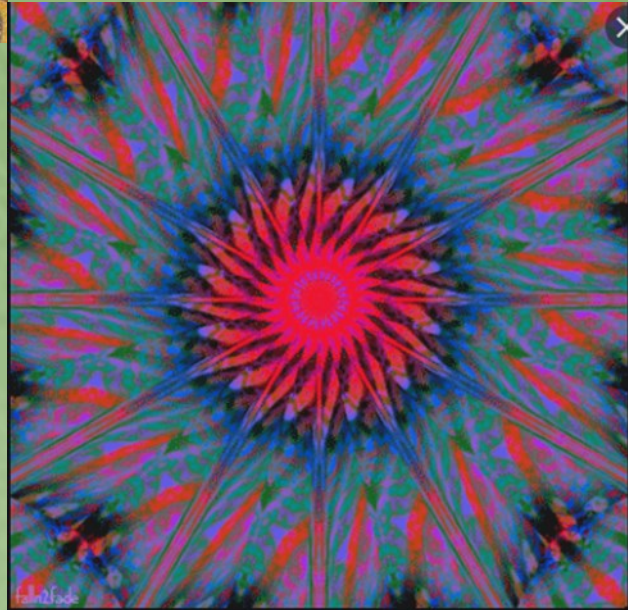
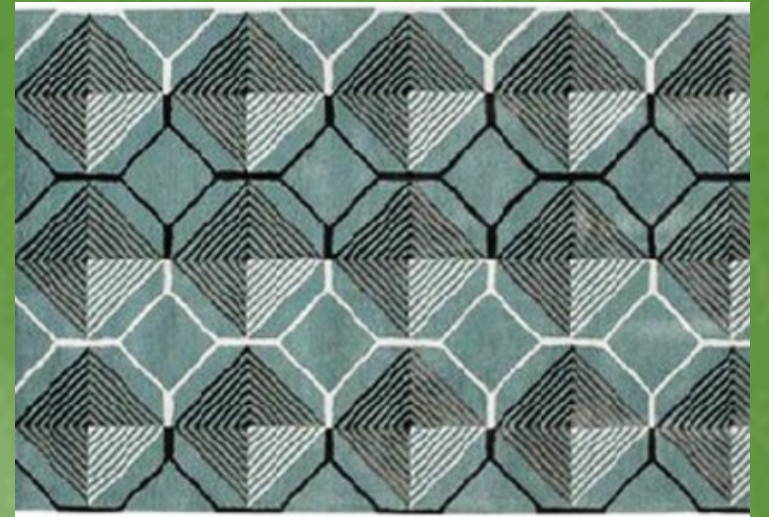
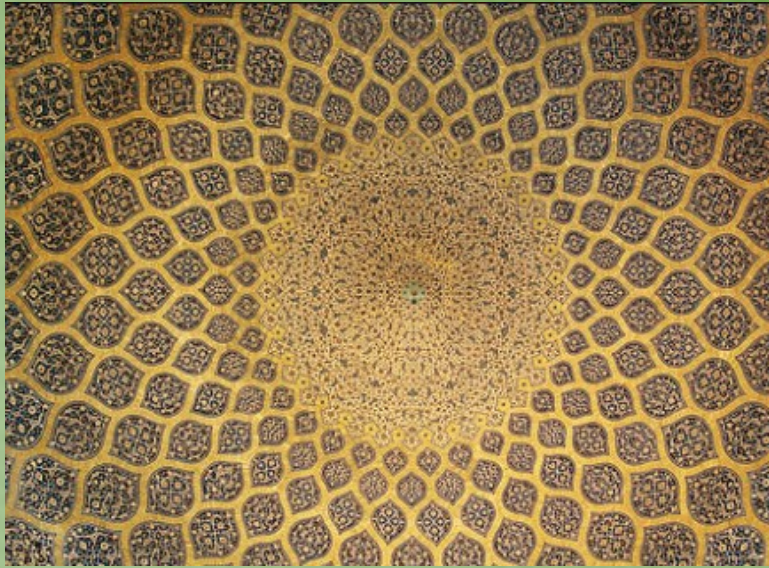
اکنون یک بار دیگر غزل صفحه قبل را بخوانید.

□ وزن چیست؟

- وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می شود.
- وزن، امری حسی است و بیرون از ذهن وجود ندارد.
- وسیله ادراک وزن، حواس ما است

✓ به تصاویرهای صفحه‌های بعد، دقت کنید.

✓ دلیل زیبایی این تصاویر چیست؟



h.khanjani

۲۴ اکتوبر ۲۰۲۰

سیرت سنیسی



h.khanjani

۲۴ آبیستمبر ۲۰۲۰

حمیرا خانجانی

۵۳

□ وزن چیست؟

➤ همان طور که دقت کردید، در تصاویر تقارن یا تکرار منظم سبب زیبایی و چشم نوازی آن ها شده بود.

➤ تکرار منظم واحدهای آوایی زبان نیز سبب گوش نوازی و زیبایی و انتقال عاطفه می شود.

➤ اگر هر یک از شکل های زیر یک واحد آوایی باشد، پاره های متقارنی که حاصل تکرار منظم شکل هاست دارای وزن است.



این غزل مولوی را بخوانید.

مرده بدم زنده شدم گریه بدم خنده شدم
دیده سیر است مرا جان دلیر است مرا
گفت که دیوانه نه‌ای لایق این خانه نه‌ای
گفت که سرمست نه‌ای رو که از این دست نه‌ای
گفت که تو کشته نه‌ای در طرب آغشته نه‌ای
گفت که تو زیرککی مست خیالی و شکی
گفت که تو شمع شدی قبله این جمع شدی
گفت که شیخی و سری پیش رو و راهبری
گفت که با بال و پری من پر و بالت ندهم
گفت مرا دولت نو راه مرو رنجه مشو
گفت مرا عشق کهن از بر ما نقل مکن
چشمه خورشید تویی سایه گه بید منم
تابش جان یافت دلم وا شد و بشکافت دلم
صورت جان وقت سحر لاف همی‌زد ز بطر
شکر کند کاغذ تو از شکر بی‌حد تو
شکر کند خاک دژم از فلک و چرخ به خم
شکر کند چرخ فلک از ملک و ملک و ملک
شکر کند ملافه حقیقت کن همه به هم میرا خانجانی

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم
زهرة شیر است مرا زهرة تابنده شدم
رفتم و دیوانه شدم سلسله بندنده شدم
رفتم و سرمست شدم وز طرب آکنده شدم
پیش رخ زنده کنش کشته و افکنده شدم
گول شدم هول شدم وز همه برکنده شدم
جمع نیم شمع نیم دود پراکنده شدم
شیخ نیم پیش نیم امر تو را بنده شدم
در هوس بال و پرش بی‌پر و پرکنده شدم
زانک من از لطف و کرم سوی تو آینه شدم
گفتم آری نکنم ساکن و باشنده شدم
چونک زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
اطلس نو بافت دلم دشمن این ژنده شدم
بنده و خربنده بدم شاه و خداونده شدم
کآمد او در بر من با وی مانده شدم
کز نظر و گردش او نورپذیرنده شدم
کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم
کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم
کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم

➤ مولوی هم در غزل:

✓ از ویژگی آوایی و تکرار منظم موسیقی به خوبی بهره گرفته است.

مردم پدم زنده شدم	گریه پدم خنده شدم	دولت عشق آمد و من	دولت پاینده شدم
دیده سپید است مرا	چان دلیر است مرا	زهره شیر است مرا	زهره تاپنده شدم
گفت که دیوانه نه‌ای	لایق این خانه نه‌ای	رفتم و دیوانه شدم	سلسله پندنده شدم
گفت که سرمست نه‌ای	رو که از این دست نه‌ای	رفتم و سرمست شدم	وز طرب آکنده شدم

✓ تناسب و همسویی وزن و عاطفه، در این غزل، بر قدرت اثرگذاری آن، افزوده است.

□ لحن و آهنگ

➤ توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می شود.

➤ تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین تر و درک محتوا را آسان تر می سازد.